

## نمونه آراء دادگاه‌های انتظامی\*

حکم شماره: ۲۴۶-۱۳۸۲/۷/۱۵

مرجع رسیدگی: شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات  
 هیأت دادرسان: آقایان حاج آقا هادی مروی رییس و امیر هوشنگ گنجوی و  
 محمدباقر شهرامی مستشاران دادگاه

موضوع پرونده: رسیدگی به اعتراض آقای... نسبت به رأی مورخ ۸۱/۸/۷ شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری موضوع نامه شماره ۱۶۳۶-۸۱/۹/۵ آن کانون. خلاصه جریان: در تاریخ ۸۰/۲/۱۵ آقای... شکایتی علیه آقایان... وکلای دادگستری به کانون وکلای دادگستری تقدیم و ضمن آن توضیح داده که در پرونده کلاسه ۸۳۶/۶۰ حقانیت اینجانب در پلاک ثبتی شماره ۲۳۹۷/۵۱۰۲ به اثبات رسیده و آقایان... وکلای عدلیه بدون داشتن اجازه وکالت از ناحیه اینجانب و دیگر شرکای بنده اقدام به طرح دعوی و دفاع از اینجانب می‌کرده و موفق به اخذ رأی می‌شدند و پس از اخذ رأی آقای... با ارایه مدارک جعلی خود را مالک تمامی ملک مورد نظر معرفی می‌کرده و [موجب تضییع حق اینجانب شدند و فرد دیگری به نام... را به عنوان ذینفع معرفی می‌کردند]. بنابراین تقاضای تعقیب وکلا را کرده است که کانون وکلا پس از ملاحظه شکایت شاکی در تاریخ ۸۰/۵/۲ شرحی به آقای... نوشته در خصوص شکایت شما از آقایان... لطفاً ظرف ده روز از تاریخ رویت هرگونه دلایل و مدارک در خصوص شکایت خود دارید به دفتر دادرسی انتظامی کانون وکلا ارسال دارید. سپس آقای دادیار انتظامی در تاریخ ۸۰/۷/۲۶ به استدلال اینکه شاکی از تاریخ رویت اخطاریه ظرف دو ماه هیچ گونه دلایل و مدارکی علیه وکلای مذکور ابراز نکرده به لحاظ فقد دلیل قرار منع تعقیب صادر کرده و مورد موافقت دادستان انتظامی کانون نیز قرار گرفته است که قرار صادره برای ابلاغ ارسال شد شاکی انتظامی در تاریخ ۸۰/۹/۲۴ شرحی به دادرسی انتظامی

\* - نمونه آراء دادگاه‌های انتظامی از آن جهت در مجله کانون درج می‌گردد که وکلا و کارآموزان از نحوه نگرش و استنباط قضات و دادرسان دادگاه‌های انتظامی نسبت به تخلفات انتظامی آگاهی یابند.

کانون نوشته و ضمن آن توضیح داده چند بار برای تعقیب شکایت به کانون مراجعه کردم ولی پرونده خود را پیدا نکردم اکنون مطلع شدم قرار منع پیگرد صادر شده نسبت به رأی اعتراض دارم و ضمن لایحه اعتراضیه وکالتنامه شماره ۱۹۰۹۰ را نیز ضمیمه کرد که در وکالت نامه موکلین چهار نفر از جمله شاکی انتظامی می باشد وکیل نیز آقایان... نوشته شده و فتوکپی دادنامه شماره ۸۳۶ مورخ ۶۲/۷/۱۰ شعبه ۵ دادگاه عمومی نیز تقدیم شده شعبه دوم دادگاه انتظامی با توجه به مدارک ارسالی شاکی انتظامی برای تاریخ ۸۱/۸/۷ دستور تعیین وقت و دعوت طرفین را صادر کرده و برای جلسه مورخ ۸۱/۸/۷ شاکی انتظامی و آقای... حاضر شدند و آقای... حاضر نیست و لایحه نفرستاده و ضمن آن توضیح داده وکالتنامه ارایه شده را صرفاً به عنوان وکیل سرپرست امضا کرده و دیگر نقشی نداشته است. دادگاه از شاکی خواسته شکایت خود را توضیح دهد شاکی اظهار داشت بنده هیچ گونه قرارداد وکالتی با آقای... نبسته ام وکالتنامه ای را امضاء نکردم و هیچ وقت برای حضور در دادگاه برایم اخطاریه نیامده و آقای... حق اینجانب را ضایع کرده از او شکایت دارم سپس دادگاه انتظامی کانون از آقای... خواسته در قبال شکایت شاکی هرگونه دفاعی دارد اعلام فرمایند آقای... توضیح داده حسب معرفی آقای... در سال ۷۰ وکالتی از آقای... و شرکای سند خرید عادی ۵۹/۱۱/۲۱ و واگذاری آن به آقای... به تاریخ ۶۰/۹/۱۴ دریافت آقای... در دفتر اینجانب حاضر وکالتنامه در حضور آقای... به ایشان تسلیم و مفاد دعوی و هدف از پیگیری دعاوی آتی نامبرده اعلام و در حضور... وکالت را امضاء کردند و با توجه به آنکه در واقع موکل آقای... بوده و به موجب اسناد خرید تاریخ های ۶۱/۹/۱۳ و ۶۱/۹/۱۴ مدعی بوده آقای... و شرکای ایشان ملک خریداری شده سند ۵۹/۱۱/۲۱ را به وی واگذار کرده اند مقرر شد به ظاهر و به منظور آنکه اسناد اولیه به نام آقای... است. دعاوی پیگیری و پس از اخذ حکم مشارالیه حقوق خود را که در نتیجه رسیدگی حاصل می شد از لحاظ ثبت اسناد به نام آقای... بنماید اقرارنامه ای هم که ضمیمه شکایت ایشان است مؤید این موضوع است و آقای... حاضرند و پشت در ایستاده اند می توانید از ایشان تحقیق کنید که پس از اخذ آرای موردنظر و به علت عدم انجام تعهدات از ناحیه آقای... دعوی دیگری علیه ایشان و مالکین سند در شعبه ۱۱۰۲ مطرح شد آقای... در جریان رسیدگی به اسناد واگذاری

حق خود به ایراد جعل فرمودند و شعبه مدارک را اخذ و به کارشناس خط ارجاع نمود و کارشناس منتخب با بررسی اسناد صحت آن را برابر نظریه تقدیمی تأیید کرد. اینجانب از نظر رعایت قانون چون متوجه شدم اقدام اینجانب علیه مالکین و متعهدین با توجه به وکالت قبلی آقای.... نبایستی از طرف اینجانب مطرح می‌شد بلافاصله طی لایحه شماره ۶۶۱ - ۷۹/۴/۲۶ استعفای خود را اعلام و آقای.... با اخذ وکالت از دعوی را تعقیب نمود به هر حال اگر.... مدعی است وکالتی به اینجانب نداده ادعای وی بر اقدام اینجانب علیه وی صحیح بوده اگر خلاف این است با توجه به اقرارنامه ایشان در دفتر اینجانب که حتی امضای وی روی پیش‌نویس هست وکالتشان جنبه ظاهری و در باطن به تبع بوده است که کانون پس از استماع توضیحات طرفین چنین رأی داده در خصوص شکایت شاکی آقای.... با توجه به دلایل پرونده قرار منع تعقیب نقض می‌گردد و در خصوص ادعای جعل وکالتنامه تنظیمی فیما بین با عنایت به حدود صلاحیت دادگاه انتظامی وکلا به اعتبار صلاحیت دادگاه عمومی قرار عدم صلاحیت صادر می‌کند و در خصوص طرح دعوی توسط آقای.... به وکالت از آقای.... در پرونده ۲۰۲۱/۷۶ شعبه ۱۱۰۲ دادگاه عمومی تهران به طرفیت آقای.... که در همان موضوع از آقای.... نیز وکالت داشته‌اند عمل آقای وکیل تخلف محسوب و به استناد بند د ماده ۸۲ آیین‌نامه آقای.... وکیل دادگستری را با یک درجه تخفیف به سه ماه ممنوعیت از شغل وکالت دادگستری محکوم می‌نماید که رأی صادره در تاریخ ۸۱/۹/۲۳ به محکوم علیه ابلاغ شده نامبرده در تاریخ ۸۱/۹/۲۶ نسبت به رأی دادگاه اعتراض کرده و در دو صفحه لایحه اعتراضیه خلاصتاً توضیح داده با توجه به ماده ۸۶ آیین‌نامه لایحه استقلال مدت مرور زمان تخلف انتظامی دو سال است دادخواست در پرونده ۲۰۲۱ شعبه ۱۷۶ با ۱۱۰۲ که جایگزین شعبه مذکور بوده مربوط است به تاریخ ۷/۱۱/۷۶ و پرونده در همان سال به جریان افتاده و تاریخ شکایت آقای ۸۰/۲/۱۵ می‌باشد. بنابراین به فرض تخلف مشمول مرور زمان شده و پس از اعلام ایراد در ماهیت با تشریح جریان دعوی خود را متخلف ندانسته و تقاضای نقض رأی معترض عنه و صدور حکم برائت را نیز خواسته است و کانون وکلای دادگستری نیز با ملاحظه لایحه اعتراضیه لایحه‌ای تقدیم که به شماره ۶۵۳۲ مورخ ۸۱/۱۲/۲۴ ثبت دفتر این دادگاه شده با تشریح مطالب رأی صادره صحیح و

منطبق با قانون دانسته و تقاضای تأیید آن را کرده است. با توجه به محتویات پرونده و لوابیح طرفین و انجام مشاوره به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می نماید.

### ● رأی دادگاه

اعتراض و تجدیدنظرخواهی آقای... نسبت به رأی مورخ ۸۱/۸/۷ شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز موضوع نامه شماره ۱۶۳۶ - ۸۱/۹/۵ مبنی بر محکومیت مشارالیه به سه ماه ممنوعیت از وکالت دادگستری وارد نیست زیرا اولاً آقای... در صفحه دوم صورتجلسه مورخ ۸۱/۸/۷ شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون اعلام داشته که متوجه شدم در پرونده قبلی از... وکالت داشتم و در پرونده اخیر از طرف اینجانب نایستی علیه... و دیگران طرح دعوی می کردم و از جهت رعایت قانون به موجب لایحه شماره ۶۶۱ مورخ ۷۹/۴/۲۶ استعفا دادم و نظر به اینکه شاکی انتظامی در تاریخ ۷۹/۲/۱۵ علیه نامبرده به کانون شکایت کرده و آخرین اقدام ایشان ۷۹/۴/۲۶ قبل از گذشتن دو سال بوده ایراد به مرور زمان وارد نیست و مردود اعلام می گردد و ثانیاً در ماهیت امر نظر به مجموع اوراق پرونده و توضیحات طرفین و رسیدگی های انجام شده رأی صادره منطبق با موازین قانونی صادر شده و از طرف تجدیدنظرخواه در این مرحله از رسیدگی ایراد و اعتراض مؤثری به عمل نیامده که قابل اعتنا و ترتیب اثر باشد لذا ضمن رد اعتراض معترض تصمیم مورخ ۸۱/۸/۷ شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون وکلای مرکز ابرام می شود.

### حکم شماره: ۲۵۳ - ۱۳۸۲/۷/۱۹

مرجع رسیدگی: شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات

هیأت دادرسان: آقایان حاج آقا هادوی مروی رییس و محمدباقر شهرامی و

محمدتقی تدین مستشاران دادگاه

موضوع پرونده: رسیدگی به تجدیدنظرخواهی آقای ... وکیل پایه یک دادگستری

نسبت به رأی شماره ۱۸۸۳۷ - ۸۱/۱۰/۱۰ شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز مبنی بر محکومیت نامبرده به شش ماه ممنوعیت از وکالت دادگستری به جهت تخلف از سوگند.

خلاصه جریان: خانم ... ساکن تهران به موجب شکواییه تقدیمی به کانون وکلای

دادگستری مرکز که به شماره ۸۰۷۲ - ۸۰/۴/۲۳ ثبت دفتر گردیده، اظهار داشته اینجانب

وکیل قانونی مادرم خانم ... هستم. مادرم ملکی به مساحت ۵۹۸ مترمربع مسکونی و

تجاری و با عرصه ۸۲۲/۵ مترمربع در خیابان لاله زارنور مالک بود، جهت تعدیل

اجاره‌بهای آن به آقای ... وکیل دادگستری مراجعه کردم و ایشان آقای ... کارآموز وکالت

را معرفی کردند. ایشان در خلال طرح دعوی تعدیل پیشنهاد خرید ملک را به علت

کهنگی و تخلفات ساختمانی مطرح کردند و بالاخره با پرداخت مبلغ بیست میلیون تومان

و گرفتن مبلغ پانصد هزار تومان حق‌الوکاله و آوردن سردفتر به منزل مادرم به علت

کهولت سن وکالتنامه تام‌الاختیار از مادرم گرفتند و قولنامه به نام دوستان خود تنظیم کرده

و فتوکپی آن را به من نداده و بعد سند رسمی را به نام خودش کرده است و با وجود

مراجعات مکرر قرار بود بعد از گرفتن پایان کار مابه‌التفاوت قیمت ملک را بدهند که

ظفره می‌رود و چون اقدامات وکیل یاد شده باعث تضرر و زیان فراوان مادرم که پیرزنی

۸۶ ساله است شده از نامبرده شکایت دارم. شاکی انتظامی در لوایح بعدی خود به کانون

وکلای مرکز اعلام کرده که آقای ... فامیل خود را به آقای ... تغییر داده و ملک مادرم را به

نام خودش انتقال داده و با وصف مالک شدن به وکالت از مادرم از مستأجرین ملک

شکایت کرده و دعوی تعدیل طرح کرده و اجور مطالبه نموده و مرتکب تزویر و خیانت

در امانت شده است. ضمناً نامبرده قصد مهاجرت به استرالیا دارد. شکواییه شاکی برای

وکیل مشتکی عنه ارسال شده و آقای ... طی لایحه‌ای که به شماره ۹۸۷۴ - ۸۰/۵/۲۰

ثبت دفتر کانون شده جواباً اظهار داشته وکالتنامه شکواییه پیوست نبوده تا جواب داده شود. فتوکپی وکالتنامه پیوست شود که امکان پاسخگویی فراهم شود. وکیل مشتکی عنه طی لایحه تقدیمی بعدی که به شماره ۱۰۰۶۶ - ۸۰/۵/۲۳ ثبت دفتر کانون وکلای مرکز شده اجمالاً اظهار داشته در مورد شکایت واهی خانم.... به وکالت از مادر خود، هر چند وکالتنامه تفویضی خود را پیوست شکواییه نکرده به عرض می‌رساند. در اواخر سال ۷۶ اینجانب به وکالت از خانم.... نسبت به هفت واحد تجاری اقدام به طرح دعوی تعدیل اجاره بها نمودم که برخی از آنها منجر به سازش و بقیه منجر به صدور حکم گردیده و در انجام وظائف وکالتی تخلفی صورت نگرفته و بعد از انجام مورد وکالت خانم.... چندین بار مراجعه و اظهار داشت درآمد ملک تکافوی هزینه زندگی من و مادرم را نمی‌کند و پیشنهاد فروش ملک مذکور را کرد و سپس اظهار داشت قصد تفکیک ملک را داریم و بعد می‌فروشیم بعد به لحاظ داشتن تخلقات ساختمانی زیاد از تفکیک منصرف شدند و قصد فروش ملک را داشتند. یکی از مستأجرین آن ملک با پرداخت مبلغ شانزده میلیون تومان قصد خرید ملک را داشت براساس مذاکرات انجام شده که وظیفه وکالتی من نبود مقرر شد کلیه هزینه‌های خلافی ساختمان و مالیات‌های معوقه و سایر هزینه‌های دولتی و غیره به عهده خریدار باشد و مبیعه‌نامه مورخ ۷۸/۸/۱۴ تنظیم شد و ملک مذکور به مبلغ بیست میلیون تومان معامله شد و ثمن آن دریافت شد و فروشنده قبول کرد ظرف مدت یک هفته نسبت به تنظیم وکالتنامه فروش و انتقال قطعی اقدام کند و وکالتنامه شماره ۷۵۱۷ - ۷۸/۸/۲۰ در دفترخانه شماره ۱۴۶ تهران تنظیم شد و بنابراین اظهارات شکایه خلاف واقع بود و صحت ندارد و هیچ گونه مدارکی نزد اینجانب نیست و چون تخلفی صورت نگرفته و خرید و فروش ملک در حیطة وظائف وکالتی نبوده اقدام و تصمیم قانونی را خواستارم. فتوکپی سند مالکیت، رأی کمیسیون ماده صد قبول پرداخت عوارض و غیره پیوست گردیده است شاکی انتظامی و وکیل مشتکی عنه لوابیح دیگری تقدیم داشته و مطالبی بیان کرده‌اند که ذکر آنها ضروری به نظر نمی‌رسد. برابر قولنامه مورخ ۸۱/۷/۱۴ فروشنده خانم.... و خریدار خانم.... به نسبت پنج‌دانگ و یک دانگ بوده‌اند و مورد معامله هم پلاک ثبتی ۱۱۱۷ الی ۱۱۱۹ بخش ۲ تهران اعم از عرصه و اعیان و ثمن مورد معامله هم دویست میلیون ریال توافق شده است. دادسرای

انتظامی کانون وکلای مرکز با استماع اظهارات آقای.... به شرح منعکس در صورتجلسه مورخ ۵/۱۰/۸۰ که چگونگی خرید ملک از مادر شاکی انتظامی را تأیید کرده و اذعان داشته که ملک مع‌الواسطه ابتدا توسط همسرش.... با قولنامه خریداری شده و سپس رسماً به او واگذار گردیده است. آقای دادیار دادرسی انتظامی کانون به موجب اظهار نظر مورخ ۱۶/۱۱/۸۰ خود، در مورد تعدیل تخلفی احراز نکرده و در مورد فروش ملک توسط پیرزن ۸۶ ساله با متراژ بالا و از طریق آوردن سردفتر به منزل فروشنده متذکر شده که شاکی انتظامی می‌تواند جهت اثبات ادعای خود و احقاق حق به مراجع قضائی تظلم کند و از جهت انتظامی به صدور قرار منع تعقیب اظهار نظر کرده و آقای دادستان انتظامی کانون وکلا هم با قرار صادر شده توسط آقای دادیار موافقت کرده است. قرار منع تعقیب صادر شده، به شاکی ابلاغ شده و خانم.... به موجب لایحه اعتراضیه تقدیمی که به شماره ۲۵۱۴۰ - ۸۰/۱۲/۲۱ ثبت دفتر کانون شده نسبت به قرار منع تعقیب دادرسی انتظامی کانون وکلا اعتراض کرده است خانم.... چندین لایحه تقدیم کرده و مدعی شده که آقای.... با وصف تغییر نام خانوادگی با همان نام خانوادگی قبلی خود یعنی به وکالت از طرف مادرم علیه مستأجرین ملکی که خودش به نام مالک بوده عرضحال تعدیل طرح کرده است و فتوکپی چندین برگ وکالتنامه و دادنامه و رای کمیسیون ماده صد قانون شهرداری و مدارک دیگری را پیوست لوایح خود کرده است. پرونده جهت رسیدگی به اعتراض شاکی به شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون وکلای مرکز ارجاع شده و دادگاه مرجوع الیه هم با استماع اظهارات شاکی و نماینده دادرسی انتظامی و استماع مدافعات آقای.... به کیفیت منعکس در صورتجلسه دادرسی مورخ ۱۴/۸/۸۱ دادگاه، با اعلام ختم رسیدگی به موجب دادنامه شماره ۱۸۸۳۷ - ۸۱/۱۰/۱۰ با انطباق اعمال وکیل مرقوم به تخلف از قسم به استناد بند ۳ از ماده ۸۱ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا ناظر بر ماده ۷۶ آیین‌نامه مذکور آقای.... را به شش ماه ممنوعیت از شغل وکالت محکوم کرده است. رأی صادر شده در تاریخ ۲۱/۱۰/۸۱ توسط دادرسی انتظامی کانون وکلا حضوراً به آقای.... تسلیم و ابلاغ گردیده و آقای.... به موجب لایحه اعتراضیه تقدیمی به این دادگاه که به شماره ۵۲۷۹ - ۸۱/۱۰/۲۸ ثبت دفتر دادگاه گردیده نسبت به رأی صادر شده به محکومیت خود اعتراض و درخواست

رسیدگی و نقض رأی صادر شده را کرده است. تصویر لایحه معترض برای کانون وکلای مرکز ارسال شده و آن کانون هم طی لایحه جوابیه که به شماره ۷۴۷۵ - ۸۲/۳/۱۰ ثبت دفتر دادگاه شده در قبال اعتراض آقای.... ملخصاً اظهار داشته آقای.... با نام خانوادگی قبلی خود.... در جلسه دادرسی ۸۱/۸/۱۴ شعبه دوم دادگاه انتظامی این کانون صراحتاً اعلام کرده وظائف وکالتی وی (تعدیل اجاره بها) از جمله به پلاک ثبتی ۱۱۱۷ الی ۱۱۱۹ بخش ۲ تهران بوده و در حالی که دادخواست تعدیل اجاره بهاى موضوع پرونده کلاسه ۲۶۳/۲۴/۷۷ در شعبه ۲۴ دادگاه عمومی تهران در جریان رسیدگی بوده و در تاریخ ۷۸/۱۲/۱۰ منتهی به صدور حکم له خانم.... (موکله برگ ۱۰ پرونده) گردیده نامبرده مبادرت به تنظیم مبیعه نامه با دستخط و دخالت خود با پرداخت وجه از حساب شخصی خود در ظاهر به نام همسر و پسر عمه کرده و علت تنظیم مبیعه نامه به نام همسرش را قصد مسافرت به استرالیا اعلام داشته از طرف دیگر بعد از تنظیم مبیعه نامه توسط مشارالیه که وجهی بابت تنظیم آن از متبایعین دریافت نگردیده آقای.... بدون تنظیم هیچ گونه نوشته و مبیعه نامه ای ملک مورد معامله را رسماً به خود منتقل کرده و تملک کرده و علی رغم اطلاع از فروش ملک کماکان از مستأجرین در تاریخ های مؤخر بر آن به نام موکل قبلی خود اخذ اجاره بها کرده است. این گونه اعمال در حین وکالت تخلف محسوب می شود و رأی صادر شده فاقد ایراد و اشکال بوده و ایراد و اعتراض موجبی از ناحیه محکوم علیه به عمل نیامده بنابراین ردّ اعتراض و تأیید رأی صادر شده مورد استدعا می باشد. دادگاه با بررسی محتویات اوراق پرونده و با انجام مشاوره ختم رسیدگی اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می کند.

### ● رأی دادگاه

اعتراض و تجدیدنظرخواهی آقای.... وکیل پایه یک دادگستری نسبت به دادنامه شماره ۱۸۸۳۷ - ۸۱/۱۰/۱۰ شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز مبنی بر محکومیت یاد شده به شش ماه ممنوعیت از شغل وکالت به جهت تخلف از سوگند، دادگاه نظر به اینکه رأی معترض علیه براساس رسیدگی های انجام شده و تحقیق از شاکی و مشتکی عنه و منطبق با موازین قانونی صادر شده و خالی از خدشه و



ایراد و اشکال است و به لحاظ اینکه آقای... هم ایراد و اعتراض خاص و مؤثری نسبت به رأی صادر شده به عمل نیاورده که قابل امعان نظر و اعتنا باشد لذا ضمن ردّ اعتراض و تجدیدنظرخواهی مشارالیه دادنامه شماره ۱۸۸۳۷ - ۸۱/۱۰/۱۰ صادر شده از شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون وکلای مرکز عیناً تأیید و استوار می‌شود.

### برگ بازجویی و صورتمجلس

پرونده: ۳۹/۸۲/۵

تاریخ ۸۲/۹/۱۲

در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۱۲ در وقت فوق‌العاده شعبه پنجم دادگاه انتظامی کانون وکلاء دادگستری مرکز به تصدی امضاءکنندگان زیر تشکیل است و پرونده‌کلاس ۳۹/۸۲/۵ موضوع شکایت آقای... بطرفیت آقای... کارآموز وکالت تحت رسیدگی است. شاکی ادعا نموده که آقای... کارآموز وکالت نامه تنظیمی با وی را به امضاء وکیل سرپرست نرسانده و همچنین تقاضای استرداد مبلغ حق‌الوکاله پرداختی بوی را نموده است. آقای... علی‌رغم اخطاریه ارسالی دادسرا جهت ادای توضیحات حضور نیافته و لایحه‌ای نیز ارائه نموده و دادسرا باستناد ماده ۷۷ آیین‌نامه لایحه قانونی استعمال کانون مبادرت بصدور کیفرخواست کرده است. مشتکی عنه پس از ابلاغ کیفرخواست لایحه‌ای باین دادگاه تسلیم داشته که به شماره ۱۹۰۴۶ - ۸۲/۸/۲۲ ثبت دفتر کانون گردیده است. در این لایحه مشتکی عنه عنوان نموده که آقای... (شاکی انتظامی) زمانی باینجانب مراجعه نمود که کمتر از یکروز به جلسه شعبه ۳۱۶ دادگاه نمانده بود. همچنین در بند ۴ لایحه مذکور اضافه نموده «آنچه باعث محکومیت آقای... شده است اعتراف به جرم او در مراحل تحقیقات مقدماتی بوده که اینجانب اطلاعی از آن نداشتم»، و در بند ۶ لایحه مذکور هم اظهار داشته که بعد از عزل اینجانب کلیه حق‌الوکاله تماماً به شاکی عودت داده شده است. دادگاه با ملاحظه پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

## ● رأی دادگاه

در خصوص کیفرخواست صادره دادسرای انتظامی در ارتباط با عدم امضای وکیل سرپرست در ذیل وکالت نامه دادگاه مجازات موضوع ماده ۷۷ استنادی (مشخصاً بند ۲ ماده ۷۶ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون کانون را تعیین و مشتکی عنه را به توییح با درج در پرونده محکوم می نماید. مضافاً با توجه به اینکه تاریخ تنظیم قرارداد حق الوکاله با شاکی ۸۱/۳/۲۶ و تاریخ جلسه رسیدگی دادگاه ۸۱/۵/۲۳ یعنی دو ماده بعد از قرارداد حق الوکاله بود؛ ادعای آقای مشتکی عنه مبنی بر اینکه کمتر از یک روز به تاریخ جلسه رسیدگی وکالت نامه تنظیم شده مقرون به واقع بنظر نمی رسد و... همچنین اظهار آقای کارآموز را در این مورد که اعتراف موکل در مراحل تحقیقات مقدماتی به جرم ارتكابی اطلاع نداشته رافع مسؤولیت ندانسته و کوتاهی در انجام وظیفه می داند. بناعلیهذا دادگاه دو مورد اخیر را نیز تخلف انتظامی موضوع رفتار خلاف شأن وکالت دانسته و از این حیث هم مشتکی عنه را بالحاظ اینکه کلیه حق الوکاله دریافتی از شاکی را به او مسترد نموده با یکدرجه تخفیف به استناد بند ۳ ماده ۷۶ آیین نامه مارالذکر به توییح با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون محکوم می نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی  
برگ بازجویی و صورتمجلس

پرونده: ۷۳/۸۲

تاریخ: ۸۲/۱۰/۱۵

به تاریخ پانزدهم دی ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و دو در وقت مقرر شعبه چهارم دادگاه انتظامی کانون وکلای مرکز با حضور امضاءکنندگان زیر تشکیل است - آقای دادیار حضور دارند. پرونده کلاسه ۷۳/۸۲ موضوع شکایت آقای... که با ارایه گواهینامه ۱۳۸۰۸۶ مورخ ۴۸/۵/۲۱ که بنابه ادعای ایشان در جریان تجدید آن هستند حضور دارند (شماره شناسنامه ایشان ۸ صادره از نائین و تاریخ تولد ۱۳۲۸ و فرزند محمد

هستند) آقای... حضور ندارند و ملاحظه می‌شود که تشریفات قانونی اجرا شده و وقت رسیدگی طی نامه شماره ۱۷۷۱۱ مورخ ۸۲/۸/۷ به اطلاع ایشان رسیده است و برابر گواهی دفتر این دعوتنامه طی قبض سفارش در تاریخ ۸۲/۸/۱۱ برای مشتکی عنه ارسال شده است. نماینده دادسرا اتخاذ تصمیم براساس کیفرخواست صادره را تقاضا نمود - بشرح زیر از آقای... تحقیق می‌شود.

● س: موضوع شکایت شما اوراق ۹۰۸ پرونده است که به شرح آن اعلام داشته‌اید با مراجعه به دفتر تحقیقاتی حقوقی به مدیریت آقای... جهت تخلیه محل استیجاری ایشان آقای... را به شما معرفی کرده‌اند که ایشان با علم و اطلاع کافی از وضعیت پرونده شما، با قول باین که بدون سرقتی کار شما را انجام خواهند داد، کار را پذیرفته‌اند ولی تعهد خود را انجام نداده‌اند لطفاً بفرمایید آقای... را در کجا ملاقات کرده‌اید و ثانیاً ارتباط ایشان با مؤسسه مذکور برای شما روشن بود و ثالثاً مطلب جدیدی هم اگر دارید بیان فرمایید.

○ ج: در پاسخ سؤال اول آقای... شاغل در آن دفتر بعنوان وکیل باینجانب معرفی گردیده. ثانیاً در مورد سؤال دوم، نامبرده آقای... بعنوان یک عضو و شاغل در آن مؤسسه را ملاقات نمودم در مورد سؤال سوم مطلب آنستکه دفتر این مؤسسه... طبقه اول بوده است و در همانجا قرارداد تنظیم و مشخصات آن محل در شکواییه قید گردیده است. از نامبرده شکایت دارم و مطلبی دیگر در خور بیان ندارم.  
دادگاه ختم رسیدگی را اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

### ● رأی دادگاه

به موجب کیفرخواست شماره ۵۶۷/۸۱ مورخ ۸۲/۴/۲۵ دادسرای انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز و قرار مجرمیت صادره علیه آقای... وکیل پایه یک دادگستری نامبرده به علت همکاری با مؤسسه‌ای به نام مؤسسه داوری و تحقیقات... و نیز پذیرش دعوی غیرقابل دفاع و دریافت حق الوکاله و عدم مداخله در دعوا با وصف دریافت حق الوکاله که متخلف تشخیص شده و مستند به بند یک ماده ۸۰ ناظر به ماده ۷۶ آیین‌نامه لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری برای وی درخواست تعیین مجازات

انتظامی شده است.

پس از ابلاغ کیفرخواست و دعوت وی جهت رسیدگی و اجرای تشریفات قانون نامبرده در جلسه معینه که تاریخ آن ۱۵/۱۰/۸۲ بوده است نیز حاضر نشده و دفاعی نکرده است.

بنظر دادگاه اولاً ادله کافی بر همکاری وی با مؤسسه... به شرح مندرجات قرار مجرمیت (اوراق ۱۵ تا ۱۸ پرونده) و کیفرخواست صادره و نیز محتویات پرونده پرسنلی ایشان در کانون وکلاء از جمله نامه شماره ۵۰۳۸۹-۵۱/۹/۱۲ حوزه مالیاتی و نیز رسید اخذ پروانه وکالت بشماره... که در آنها آدرس ایشان دقیقاً آدرس مؤسسه مذکور است، بنابراین با عنایت به ادله مذکور و سوابق ایشان در پرونده کمیسیون ماده ۵۵ کانون وکلای مرکز، دادگاه عمل وی را به عمل خلاف شئون وکالت دانسته التهایه به لحاظ جوانی و فقدان سابقه مشابه و نیز اوضاع و احوال دیگری که در وضعیت فعلی نسبت به وکالت حاکم است. دادگاه او را مستحق تخفیف دانسته و با اعمال یکدرجه تخفیف و با اعمال بند ۳ ماده ۷۶ آیین نامه لایحه استقلال نامبرده را به توییح با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون محکوم می نماید.